دریچه

با اعلام تاریخ برگزاری مراسم انجام شد

معرفی نامزدهای «تندیس حافظ» در موسیقی

همدلی| نامزدهای دریافت تندیس حافظ رشته‌های مختلف بخش موسیقی دومین مراسم تئاتر و موسیقی «تندیس حافظ» معرفی شدند.به نقل از روابط عمومی پروژه، هیات انتخاب و داوران بخش موسیقی پس از بررسی آثار موسیقایی ارسال شده به دبیرخانه مراسم، نامزدهای خود را در رشته‌های مختلف اعلام کردند.بررسی آثار بخش موسیقی این رویداد بر اساس ثبت نام متقاضیان شرکت در این مراسم بوده است.در بخش موسیقی آثاری که در بازه زمانی اول فروردین سال ۱۴۰۱ لغایت ۱ دی ماه سال ۱۴۰۲ به صورت رسمی منتشر شده بودند مورد بررسی قرار گرفتند.نامزدهای بخش مختلف در حوزه موسیقی این مراسم به شرح زیراعلام شد است:

***بخش موسیقی پاپ**

بهترین آهنگساز
- گرشا رضایی برای قطعه «عکس تو» با صدای گرشا رضایی
- علیرضا طلیسچی برای قطعه «پاقدم» با صدای علیرضا طلیسچی
- معین زندی و حامد دهقانی برای قطعه «مال منی» با صدای معین زندی
- بهنام خدری برای قطعه «تو» با صدای عرفان طهماسبی
- امیر عظیمی و ابی رام برای قطعه «ممنونم» با صدای امیرعظیمی
- روزبه نعمت اللهی و معین مجد برای قطعه «اگر به من بود» با صدای روزبه نعمت اللهی

بهترین تنظیم کننده
- امیر بهادر دهقان برای قطعه «پا قدم» با صدای علیرضا طلیسچی
- حامد برادران برای قطعه «کجای این شهری» با صدای بهنام بانی
- مسعود جهانی برای قطعه «خجالتی» با صدای مجید رضوی
- امین آیین برای قطعه «تو» با صدای عرفان طهماسبی
- علیرضا ریاضی برای قطعه «قلب منی» با صدای حامیم

بهترین قطعه
- علیرضا طلیسچی برای قطعه «پاقدم»
- گرشا رضایی برای قطعه «عکس تو»
- مجید رضوی برای قطعه «خجالتی»
- عرفان طهماسبی برای قطعه «تو»
- ناصر زینلی برای قطعه «همسفر»
- رضا بهرام برای قطعه «صدام کن»

بهترین اجرای زنده گروه موسیقی پاپ
- گروه بهنام بانی به سرپرستی حامد برادران
- گروه علیرضا طلیسچی به سرپرستی امیر بهادر دهقان
- گروه روزبه بمانی به سرپرستی مهرداد احمدزاده
- گروه ناصر زینلی به سرپرستی آرتین زمانی
- گروه مجید رضوی به سرپرستی حسین احمدیان

تندیس حافظ افتخاری

تندیس حافظ افتخاری اهدا می شود به محسن چاوشی به پاس خلق آثار درخشانش در سال گذشته و همچنین فعالیت موثر اجتماعی در زمینه آزاد سازی زندانیان جرایم غیر عمد

بهترین خواننده پاپ
- بهنام بانی
- علیرضا طلیسچی
- مجید رضوی
- حامیم
- گرشا رضایی

*بخش موسیقی ایرانی - تلفیقی

بهترین آهنگساز
- حسام ناصری برای قطعه «در زلف تو آویزم» علیرضا قربانی
- آرمان گرشاسبی و اشکان آبرون برای قطعه «بنشین تماشایت کنم» آرمان گرشاسبی
- علی قمصری برای قطعه «بیدار شو» همایون شجریان
- سهراب پورناظری برای کلیه قطعات کنسرت تئاتر سیصد
- هادی فیض آبادی برای قطعه «دیدار یار»

بهترین تنظیم کننده
- حسام ناصری برای قطعه «در زلف تو آویزم» باصدای علیرضاقربانی
- فرید مهاجرپور برای قطعه «نفس» با صدای سالار عقیلی
- اشکان آبرون برای قطعه «بوسه» با صدای آرمان گرشاسبی
- غلامرضا صادقی برای قطعه «از من چرا رنجیده‌ای» با صدای همایون شجریان

بهترین قطعه
- قطعه «در زلف تو» با صدای علیرضا قربانی
- «نفس» با صدای سالار عقیلی
- «قطعه بیدار شو» با صدای همایون شجریان
- قطعه «بوسه» با صدای آرمان گرشاسبی
- قطعه «آویشن و اندوه» با صدای حسین نور شرق

بهترین رهبر ارکستر یا سرپرست:
- حسام ناصری برای ارکستر علیرضا قربانی
- آرش گوران برای ارکستر همایون شجریان
- سهراب پورناظری برای ارکستر پروژه سیصد
- اشکان آبرون برای گروه آرمان گرشاسبی

بهترین خواننده:
- علیرضا قربانی
- همایون شجریان
- آرمان گرشاسبی
- سالار عقیلی

آیین تئاتر و موسیقی علی معلم (تندیس حافظ) روز شنبه ۱۹ اسفند برپا خواهد شد.

برای درگذشت حسینقلی مستعان؛ معروف‌ترین پاورقی‌نویس ایران

یک نفر و چند اسم!

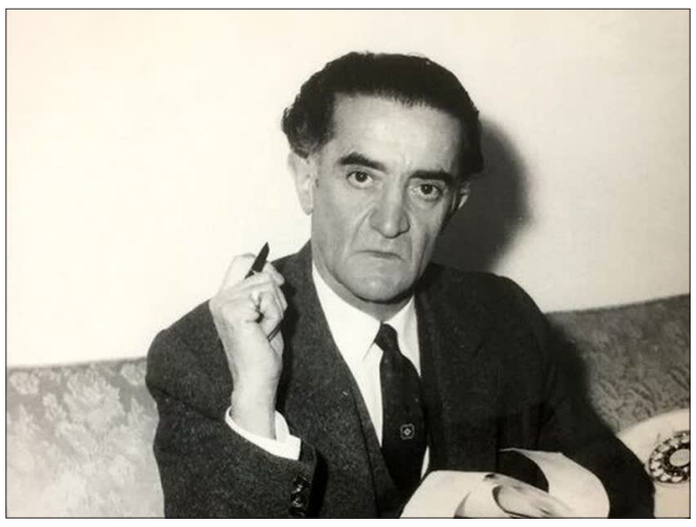

همدلی| در روزهایی که تلویزیون نبود و سینما هنوز گروه‌های کوچکی را جلب می‌کرد چاپ داستان‌های مستعان در مجلات ضامن فروش معتبری برای آن‌ها بود. زمانی که ادبیات پیش‌رو امکان نشر و مخاطب نداشت، او یکه‌تاز میدان نویسندگی بود.

۴۱ سال پیش در ۱۵ اسفند ۱۳۶۱ یکی از معروف‌ترین پاورقی‌نویسان ایران از دنیا رفت؛ حسینقلی مستعان که در سال ۱۲۸۳ در تهران متولد شده بود.

از مکتب‌خانه تا روضه‌خوانی

او تحصیلات خود را از چهارسالگی در مکتب‌خانه شروع کرد و از همان زمان به تشویق پدرش به تحصیل زبان فرانسه و عربی نیز پرداخت. در شش‌سالگی برای گذراندن تحصیلات ابتدایی به مدرسه «اسلام» رفت: «آن‌ها می‌خواستند مرا در کلاس اول بپذیرند، اما قبول نکردم. به مدرس شرف مظفری رفتم و امتحان دادم و در کلاس چهارم مشغول تحصیل شدم. کلاس پنجم را در تعطیلات تابستان خواندم و کلاس ششم را به پایان رساندم. نخستین سالی بود که وزارت فرهنگ آن زمان، گواهینامه رسمی می‌داد. وقتی خواستم به دوره متوسطه بروم و در دارالفنون درس بخوانم، پدرم چون خیلی تعصب مذهبی داشت، مانع ادامه تحصیلم شد زیرا فکر می‌کرد اگر در دارالفنون درس بخوانم دهری و بی‌دین خواهم شد.»

برخلاف پدر، مادر موافق نظر فرزند بود و برای تحصیل پسرش، پول و لباس و لوازم زندگی مهیا کرد. بعد از پایان تحصیلات متوسطه، یک روز، پدر مستعان در اوج عصبانیت، او را از خانه بیرون کرد.مستعان خود درباره این دوره گفته بود: «طی چند سال با [تحمل] صدمات بی‌پایان خود را به پایان [دوره تحصیلی] متوسطه رساندم که ناگهان پدرم که از این امر ناراضی بود، یک روز که به خانه آمدم در اوج عصبانیت در را به رویم بست و گفت حق نداری به خانه بیایی.» پس از این ماجرای زندگی مستقلانه و پر از رنج و مشقت مستعان شروع شد؛ از تهران رفت و مجبور شد چهار-پنج سال زندگی ماجراجویانه‌ای را با تمام مشقات آن بگذراند. «این زندگی برایم نیروبخش و آموزنده بود. کارهایی پیشه کردم. پیشخدمتی کردم و حتی روضه خواندم. وقتی در هفده-هجده سالگی به کار پرداختم، یک مرد کوبیده و دنیادیده بودم.»

اولین خبرنگار عکاس مطبوعات ایران

او پس از پنج سال کار و سرگردانی به خانه بازگشت درحالی که به بیماری مالاریا مبتلا شده بود. طی مسافرت‌هایش در روزنامه‌نویسی هم تجربیاتی کسب کرده بود. پس از بهبودی، درصدد برآمد کار روزنامه‌نویسی را آغاز کند. ابتدا در روزنامه‌های «نسیم شمال»، «رعد» و روزنامه «اتحاد» و اندکی بعد در روزنامه «ایران» به کار مشغول شد (از سال ۱۳۰۰ ش به بعد). از آن به بعد تمام مراحل روزنامه‌نگاری را در روزنامه ایران طی کرد و در این روزنامه همه‌کار انجام داد: صندوق‌داری، حسابداری، خبرنگاری، نویسندگی و معاونت سردبیر و سردبیری. علاوه بر نوشتن مقالات گوناگون، آثار نویسندگان بزرگ جهان همچون ویکتور هوگو را نیز ترجمه می‌کرد و داستان‌هایی بی‌امضا و پاورقی‌هایی می‌نوشت. خود او می‌گوید که افزون بر این‌ها «عکاسی و مصاحبه با رجال را انجام می‌دادم. من اولین خبرنگار عکاس مطبوعات در ایران بودم و اولین خبرنگاری بودم که برای تهیه گزارش‌های بزرگ به نقاط مختلف اعزام شدم.» او در این سال‌ها آثاری مانند «افسانه»، «عنتر شجاع عرب»، «علی بابا» و ترجمه‌های «بینوایان» و «یهودی سرگردان» را منتشر کرد.

از سردبیری تا قطع همکاری با مجلات

او از سال ۱۳۱۰، سردبیر روزنامه ایران بود و بعد از وقفه‌ای در سال ۱۳۱۴، سردبیری مجلات «مهر» و «مهرگان» را نیز علاوه‌بر روزنامه ایران برعهده گرفت. داستان‌نویسی مستعان در مجله مهرگان با نام مستعار «ح.م.حمید» به‌طور جدی شروع شد. در سال ۱۳۱۸، مستعان بر اثر فشار کاری، مدتی از کار سربیری روزنامه کناره‌گیری کرد و امتیاز مجله «راهنمای زندگی» را گرفت که حدود دو سال منتشر می‌شد. در اوایل دهه ۲۰، مستعان مجددا مدیر روزنامه «مهر ایران» شد که همان روزنامه ایران با عنوانی دیگر بود اما پس از مدتی، با این روزنامه قطع رابطه کرد. مستعان مدتی هم روزنامه «اخبار» و هفته‌نامه «دستور» را منتشر کرد اما از سال ۱۳۲۵ تصمیم گرفت تنها به عنوان داستان‌نویس با مجلات همکاری کند. با مجله «تهران‌مصور» بیش از ۱۰ سال همکاری کرد و بعد از آن هم در مجلات دیگری، داستان‌های متعددی منتشر کرد. این همکاری بیش از ۱۰ سال ادامه یافت و به گفته خود «اختلاف سلیقه شدید بین من و مجلات که غالبا به جلفی و سبکسری پرداخته بودند، به وجود آمد و من تصمیم گرفتم که دیگر با مجلات همکاری نکنم.»

او در آن سال‌ها داستان‌های «آفت» و «شهرآشوب» را در بالغ بر ۳۰۰ شماره مجله تهران‌مصور منتشر کرد. آثاری مانند «دلخسته»، «گناه مقدس»، «آتش به جان شمع فتد» و «مثل خدا که مال همه است» مستعان نیز در سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۹ منتشر شده است.

یک نویسنده با چندین نام

مستعان برای نوشتن مطلب از اسامی مستعار متعددی استفاده می‌کرد. «وقتی که نشر داستان‌هایم را در مجله «مهرگان» شروع کردم نام ح.م.حمید را برگزیدم. پس از آن در مجله خودم، «راهنمای زندگی» که اولین مجله مصور ایران به‌سبک کنونی و پیش‌رو و الگوی همه مجلات هفتگی بود با چندین اسم مستعار مقاله، داستان و مطالب گوناگون نوشتم: فرخنده، انوشه، مینو، شادگان، نیلوفر، بیدل، مهربان مراد، آینه، راهنما، زیبنده، دکتر تبریزیان، سیروس راستان، فردا می‌گم و چند نام دیگر.

بعدها داستان‌های تاریخی را با اسم مستعار انوشه، داستان‌های کوتاه را با نام یکی از نویسندگان و رمان‌هایی را با نام حبیب نوشتم. نام‌های مستعار دیگری نیز برگزیدم: نویسنده کهن، ادیبه کمالی، ابوالوتاب، مهین، دوست شما، ح.بیدل، حمید و مراد. و برخی نام‌های دیگر که یادم نیست. امضای مستعارم برای مقالات زنانه ادیبه کمالی بود و خانم‌ها پیوسته سراغ این ادیبه کمالی را می‌گرفتند.

ناگفته نماند که سعی می‌کردم شیوه نگارش و سبک این نوشته‌ها یکنواخت از آب درنیاید. سبک‌ها کاملاً فرق داشت. مثلاً در داستان‌های به‌امضای ح.م.حمید، عشق و زندگی با جنبه‌های واقعی، روان، دلپذیر و عبرت‌انگیز مطرح بود. امضای حبیب را برای داستان‌های پرحادثه و طولانی می‌زدم. امضای یکی از نویسندگان را به داستان‌های اجتماعی و فلسفی اختصاص داده بودم. با نام انوشه داستان‌های تاریخی می‌نوشتم و روش نگارش، در این‌ها همه، آن‌قدر فرق داشت که به‌زحمت می‌شد باور کرد که همه را یک نویسنده نوشته است.

گاه برای آنکه نظر مردم را بدانم پرسش‌هایی مطرح می‌کردم. مثلاً درباره ح.م.حمید در مجله «مهرگان» مسابقه‌ای طرح کردیم و از خوانندگان خواستیم یک تصویر خیالی از او بکشند و بفرستند... فقط یک دختر باهوش از کرمان درست تشخیص داده و از روی عکس خود من یک کاریکاتور جالب ساخته و فرستاده بود.»

او در نوجوانی شعر نیز می‌سرود و شیفته (چندی هم مدهوش) تخلص می‌کرد. «من زندگی را با شعر شروع کردم. از هشت‌سالگی شعر می‌گفتم و پیشرفت‌هایی در این فن داشتم. اولین دفعه منظومه‌های اجتماعی و انتقادی و فکاهی و نیز بعضی غزل‌هایم در روزنامه «نسیم شمال» چاپ شد. و نیز در روزنامه «خنده» و روزنامه «امید» و بعضی روزنامه‌های دیگر و مجلات قطعاتی از من چاپ شد... در شعرهای طنزآمیز تخلصم نیلوفر و چلندر بود. در یک مسابقه غزل‌سرایی در روزنامه اتحاد در سال ۱۳۰۰ ش. در ردیف برندگان نام برده شدم و روزنامه غزل مرا چاپ کرد با ذکر این حقیقت که سراینده غزل یک کودک سیزده‌ساله است.» او سپس به ترجمه روی آورد و به دلیل آشنایی با زبان فرانسه و برخی زبان‌های دیگر توانست بعضی از داستان‌های مشهور جهان از جمله «بینوایان» ویکتور هوگو را به زبان فارسی برگرداند. او این رمان معروف را بین سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷ ترجمه کرد.

مهم‌ترین بخش زندگی مستعان، داستان‌نویسی اوست: «من همواره عاشق قصه‌نویسی بودم و روزنامه‌نگاری تنها وسیله‌ای بود برای امرار معاش. از چهارسالگی پای قصه‌های مادربزرگم می‌نشستم و در شش‌سالگی، خودم یک قصه‌گو بودم و طرفداران بسیار میان بچه‌های محله داشتم. نخستین قصه‌ام را در ۱۲ سالگی بر اساس یک حادثه واقعی نوشتم.»

فروش ۱۵ هزار نسخه در یک هفته!

مستعان در نشریه مهرگان داستان‌نویسی خود را با اسم مستعار ح.م حمید، به طور جدی شروع کرد. او داستان «نوری» را منتشر کرد. این داستان وقتی به صورت کتاب درآمد، در عرض یک هفته ۱۵ هزار نسخه از آن فروش رفت: «اما هجوم مردم، فقط تازگی آن‌ها بود. تا آن روز ما قصه نداشتیم.بلکه چهار، پنج تا کتاب رمان از جمله مطبع‌الدوله حجازی [موجود] بود. ولی سبک نگارش قصه من به زبان مردمی بود، زبان افراد داستان فقط از دهان پرسوناژهای من شنیده می‌شد. این زبان، زبان مردم بود. مهم‌تر داستان مال خود مردم بود. داستان‌ها فقط و فقط از خود مردم بود و در همان چهارچوب زندگی‌شان. قصه توی خانه خودشان می‌گذشت... هر کس «نوری» را خواند، احساس کرد که با نوری دماوند و اطرافش را گشته و دیده.

یعقوب آژند درباره دلیل استقبال از آثار او می‌گوید: «البته درباره موفقیت‌های داستان‌های مستعان و پرخواننده بودن آن‌ها این نکته را نباید فراموش کرد که در آن روزها از تلویزیون خبری نبود. سینما هنوز گروه‌های کوچکی را جلب می‌کرد. تئاتر و اپرا و دیگر پرکنندگان اوقات فراغت نیز چندان وجود نداشت. مستعان با نوشتن پاورقی‌های هیجان‌انگیز خود جای همه این‌ها را پر می‌کرد، تا آنجا که چاپ داستان مستعان در هر مجله‌ای ضامن فروش معتبری برای آن مجله بود.»

به نقل از ایسنا، به نظر حسن میرعابدینی، نویسندگان رمان‌های اجتماعی و تاریخی اولیه که عمدتا در قالب پاورقی در مجلات منتشر می‌شدند، با برداشتی غیرواقعی از وقایع تاریخی و حوادث جنایی و جنسی، داستان‌هایی می‌سازند که از لحاظ سبک و مضمون هنری ارزشی ندارند و بیشتر جنبه وقت‌گذرانی و سرگرمی دارند. او، مستعان را عمده‌ترین پاورقی‌نویس دوره رضاشاه می‌داند که زمانی که ادبیات پیش‌رو امکان نشر و مخاطب نداشت، یکه‌تاز میدان نویسندگی بود.

مستعان به دلیل فعالیت‌های فراگیر و روزنامه‌نگاری و داستان‌نویسی رقبا و مخالفانی نیز داشت. او در بیشتر مصاحبه‌های خود از دست این رقبا نالیده است: کار به جایی رسیده که روزنامه‌ای در یک تیتر سرتاسری که صفحه اول را فرامی‌گرفت، نوشت: مرگ مستعان عروسی ادبیات ایران است. خلاصه آنکه مطبوعات در مورد من خیلی هتاکی کردند. از وقتی که محبوبیت پیدا کردم با این وضع روبه‌رو بودم.»

گلاب آدینه فرزند این نویسنده است که بعد از ورود به سینما به‌دلیل مخالفت پدر با این کار، نام خانوادگی‌اش را به «آدینه» تغییر داد.

برخی از آثار مستعان مانند «رابعه»، «اشک دلاوران» و «حمویه» (که قبلا در مجلات منتشر شده بودند) در قالب کتاب در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۰ منتشر شده‌اند.

پی‌نوشت: در این گزارش از مطلب «پا به پای پاورقی‌نویسان ایران: مستعان، حسینقلی» نوشته یعقوب آژند استفاده شده است.

مروری بر اکران نوروزی سینمای ایران با فیلم‌های اکران‌نشده

استقبال سینما از نوروز

همدلی| اکران سینما در سال ۱۴۰۲ به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود ولی سبد فیلم‌های در نوبت اکران همچنان سنگین است و در ماه‌های گذشته هم بجز فیلم‌های راه‌یافته به جشنواره فجر، بیش از ۲۰ فیلم پروانه نمایش گرفته‌اند.سینماهای کشور در حالی به استقبال اکران نوروزی می‌روند که از بین هفت فیلم انتخابی، ۶ فیلم در جشنواره فجر بودند و این نوبت ویژه اکران کمکی به کم شدن بار فیلم‌های در صف نمایش عمومی نکرده است.آماری که برای فیلم‌های اکران نشده سینما از یکی دو سال گذشته روایت می‌شد، بیش از ۳۰۰ فیلم را دربرمی‌گرفت که تعدادی از آن‌ها در همین سال روی پرده رفتند و برخی هم قاچاق شدند اما تعداد قابل توجه دیگری هنوز پشت خط اکران مانده‌اند. علاوه‌براین‌ها فیلم‌هایی را که در ماه‌های گذشته تولید شدند و به جشنواره فجر رسیدند و یا آن‌هایی را که به اختیار یا اجبار به جشنواره نرسیدند نباید از قلم انداخت که همین‌ها نیز آمار فیلم‌های اکران نشده را بالا می‌برند.بجز فیلم‌های قدیمی‌تر و غیرجشنواره‌ای، در همین سال ۱۴۰۲ تعدادی فیلم ساخته شده که برخی از آن‌ها مجوز نمایش هم دارند ولی به اکران نرسیده‌اند و همگی در نوبت اکران سال ۱۴۰۳ قرار می‌گیرند. در چند ماه اخیر سامانه ثبت اطلاعات فیلم‌هایی که پروانه ساخت و نمایش گرفته‌اند و نیز درخواست‌های ثبت شده برای گرفتن مجوز در سایت سازمان سینمایی بسته شده بود؛ ولی با باز شدن دوباره این سامانه می‌توان بررسی نسبتا دقیق‌تری از وضعیت فیلم‌های تولیدی و در نوبت اکران انجام داد.در تازه‌ترین به‌روزرسانی بخش پروانه نمایش‌های صادرشده این سامانه در سال ۱۴۰۲، نام ۲۳ فیلم دارای مجوز و اکران نشده را می‌توان دید که شامل فیلم‌های «برزنگی» از حسین قاسمی جامی، «این جمعیت قابل کنترل» از مهرداد فرید، «هفتاد سی» ابراهیم عامریان و بهرام افشاری، «یادگار جنوب» از حسین دوماری و پدرام پورامیری، «قلهک» از مصطفی شایسته، «لخته‌گی» از کاوه دهقان‌پور، «پلان آخر بازی» از پیمان شاه‌بداغلو، «تصویرم در آینه نیست» از محمدرضا خاکی، «آغوش درخت» از بابک خواجه‌پاشا، «یک تکه ابر» از علی قوی‌تن، «تَرَک عمیق» از آرمان زرین‌کوب، «۷۶۰۰ » از بهروز باقری، «شوماه» مژگان بیات، «لابی» از امیرشهاب رضویان و محمد پرویزی، «ریش قرمز» از محمدرضا تخت‌کشیان و ماکان آشوری، «سم‌پاشی» از محمدعلی سجادی و علی یاور، «راه رفتن روی علف‌های خشک» از مهران مهدویان، «دنیای شیرین ما» از قدرت‌اله صلح‌میرزایی و عباس خواجه‌وند، «باد در کشتزارهای نیشکر» از سعید شاهسواری و ابراهیم اشرف‌پور، «رویای ساحلی» از رقیه احمدی و آرش سجادی، «شاید جای دیگر» از مجتبی متولی و علی تصدیقی، «کارزار» از محمد قاضی و شهرام اسدزاده و «مامان و سی‌سی» ازامیر سمواتی و امیر محمدنژاد می‌شوند. از بین این فیلم‌ها، «یادگار جنوب» و «در آغوش درخت» اکران نشده‌های جشنواره فجر سال قبل هستند که احتمالا هنوز فرصت باب میل سازندگان برای اکران پیدا نشده است.البته از جشنواره سال ۱۴۰۱ فیلم‌های دیگری مانند «استاد»، «وابل»، «روایت ناتمام سیما»، «عطرآلود» و «هفت بهار نارنج» هم مانده و «سینما متروپل» محمدعلی باشه‌آهنگر نیز فعلا ممیزی‌های وارد شده، مانع از اکران آن است. موارد مشابه دیگر «مامان» ساخته آرش انیسی و مجید برزگر، «علت مرگ: نامعلوم» از علی زرنگار و مجید برزگر، «مسیح پسر مریم» از مهدی فرجی، «غیبت موجه» عباس رافعی و «شیشلیک» محمدحسین مهدویان هستند. در کنار فیلم‌های مشکل‌دار، چند فیلم سینمایی دیگر هم هستند که محصول سال‌های گذشته‌اند و با وجود پروانه نمایش و حتی برنامه‌ریزی برای اکران هنوز رنگ پرده را ندیده‌اند که به «کوچه ژاپنی‌ها»، «زعفرانیه ۱۴ تیر»، «ملاقات با جادوگر»، «۲۸۸۸»، «سینما شهر قصه»، «رو در رو»، «خط نجات»، «۱۹»، «هشت روز هفته»، «احمد به تنهایی» و «برف آخر» می‌توان اشاره کرد.

رویداد

خدای نی‌نوای پشت و پناهش

جمشید عندلیبی درگذشت

همدلی| جمشید عندلیبی، نوازنده پیشگام ساز نی در ۶۶ سالگی درگذشت.

به نقل از خانه موسیقی، جمشید عندلیبی، نوازنده عرصه نی نوازی امروز ۱۵ اسفندماه در ۶۶ سالگی براثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفت.

جمشید عندلیبی فقید از جمله نوازندگان شناخته شده نی نوازی بود که نواختن ساز نی را ابتدا بدون استاد فرا گرفت و سپس با حضور در دانشگاه تهران و آشنایی با حسین عمومی به ادامه فراگیری تکنیک‌های این ساز پرداخت.

او ردیف موسیقی ایرانی را نزد هنرمندانی همچون چون نصرالله ناصح پور، نورعلی برومند و محمدرضا لطفی فرا گرفت و در سال ۱۳۶۰ بود که برای تکمیل تکنیک‌های پیشرفته نوازندگی نی به نزد حسن کسایی در اصفهان رفت.

این هنرمند فقید موسیقی ایرانی در طول زندگی خود علاوه برتولید چندین اثر موسیقایی در پروژه‌هایی مانند «بیداد»، «نوا»، «دستان»، «دود عود»، «آسمان عشق»، «یاد ایام»، «رسوای دل»، «پیام نسیم»، «دل مجنون»، «سروچمان» همکاری داشته است. او علاوه بر نوازندگی در کار آهنگسازی هم فعال بود و آلبوم‌های «میهمان تو»، «پاییز نیزار» و «مونس جان» از فعالیت‌های او در زمینه آهنگسازی است.

عندلیبی قطعات ابوالحسن صبا را با نی و به صورت ردیف آموزشی تنظیم و نواخته است. این در حالی است که تک نوازی نی پروژه ماندگار «نی نوا» اثر حسین علیزاده هم به عهده مرحوم عندلیبی بوده که بسیاری از مخاطبان موسیقی این هنرمند را با چنین اثر معتبری می‌شناسند.

موسیقی «نی نوا» از جمله ملودی‌های معتبر و ارزشمند تاریخ موسیقی ایران زمین است که به واسطه حضور هنرمندانی چون حسین علیزاده با خلاقیت و استادی منحصر به فرد و جمشید عندلیبی با تک نوازی سحرانگیزی که در حوزه نی نوازی انجام داده و همچنین جمعی دیگر از نوازندگان شاخص موسیقی کشورمان توانست جایگاه رفیعی میان مخاطبان پیدا کند.

با اهدای جایزه خلاقیت

فیلمساز اسپانیایی در مادرید تجلیل می‌شود

همدلی| جی.ای.بایونا فیلمساز اسپانیایی از سوی انجمن تصویر متحرک تجلیل می‌شود.

به نقل از ددلاین، انجمن تصویر متحرک از جی.ای.بایونا فیلمساز، با اهدای جایزه خلاقیت در مراسمی که ماه ژوئن در مادرید برگزار می‌شود، تجلیل می‌کند.

جدیدترین فیلم این فیلمساز «جامعه برف» است که نامزد بهترین فیلم بلند بین‌المللی و گریم اسکار شده است. از دیگر آثار این فیلمساز می‌توان به «دنیای ژوراسیک: سقوط پادشاهی»، «غیرممکن» و «هیولا فرا می‌خواند» اشاره کرد.

به گفته این انجمن، این جایزه به فردی اهدا می‌شود که با نمایش حرفه‌ای و درخشان هنر خود در پشت دوربین، فرهنگ را متحول کرده، به آن شکل داده است و به مخاطبان کمک می‌کند دنیا را به شیوه‌های جدید و متفاوت ببینند.

چارلز ریوکین مدیر عامل این انجمن، در بیانیه‌ای گفت که کار بایونا مرزهای داستان‌گویی را پیش برده و انعطاف‌پذیری روح انسان را تجلیل می‌کند؛ از همین رو این جایزه از بایونا برای تجسم بهترین‌های جامعه خلاق جهانی قدردانی می‌کند.

از برندگان پیشین این جایزه می‌توان به نیکیاتو جوسو و جینا پرینس-بایتوود اشاره کرد.

خوان آنتونیو بایونا کارگردان، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس اهل اسپانیا است. وی که از شاگردان گی‌یرمو دل تورو است و فیلم‌هایش حال و هوای فانتزی تاریک دل تورو را دارد، از سال ۱۹۹۹ تاکنون مشغول فعالیت بوده است.

انجمن تصویر متحرک (MPA) به عنوان صدای پیشرو و مدافع صنعت فیلم متحرک، ویدیوی خانگی و تلویزیون عمل می‌کند و استودیوهای عضو آن عبارتند از نتفلیکس، پارامونت گلوبال، سونی پیکچرز، یونیورسال استودیو، استودیو والت دیزنی، و برادران وارنر دیسکاوری.

نوبت اول

فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای (شماره ۱۴۰۲/۵۲)

بانک ملی ایران

بانك ملي ايران در نظر دارد مناقصه خريد ۸۶۸ عدد باتری UPS (توليد داخل) به شماره ثبت ستاد ۲۰۰۲۰۰۱۰۵۶۰۰۰۰۵۲ را از طريق سامانه تدارکات الکترونيکي دولت (ستاد) به نشانی: www.setadiran.ir به شرح زير برگزار نمايد:

۱. تاريخ انتشار در سامانه: از ساعت ۸ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

۲. مهلت دريافت اسناد: تا ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

۳. مهلت ارسال پيشنهاد: تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

۴. زمان گشودن پاکت‌های الف و ب: ساعت ۹:۰۰ روز يک شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

۵. نوع و مبلغ تضمين: سپرده نقدی يا ضمانت‌نامه بانکی يا ارائه ساير تضامين مطابق آيين‌نامه تضمين برای معاملات دولتی، به مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال

۶. هزينه خريد اسناد : ۵/۸۰۰/۰۰۰ ريال.

ضمناً پاکت تضمين می‌بايست علاوه بر بارگذاری در سامانه، تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ به نشانی: تهران،خيابان فردوسی، ادارات مرکزی بانک ملی ايران، اداره‌کل کارپردازی، دايره دبيرخانه و امور اداری کارکنان تحويل‌شود.

به پيشنهادهاي واصله خارج از سايت سامانه ستاد ترتيب اثر داده نخواهدشد.

شرايط‌شرکت‌درمناقصه‌درسايت(http://iets.mporg.ir) قابل مشاهده می‌باشد.

شناسه آگهی : ۱۶۸۰۱۷۲

م الف / ۴۷۶۸